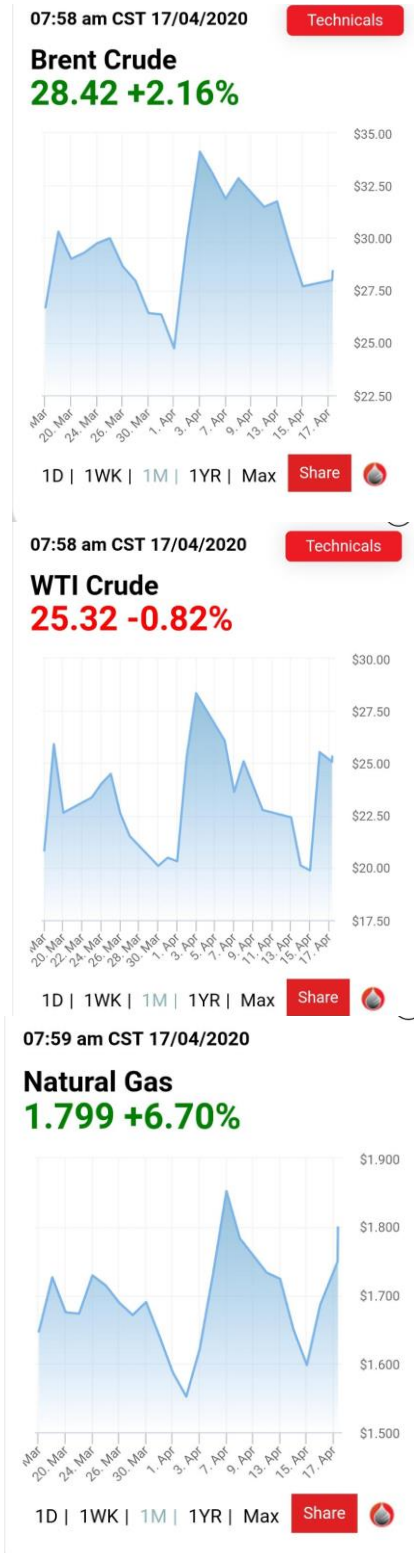


پایش بازار انرژی



## پویایی های بازار

آخرین قیمت نفت برنت در روز جاری ۲۸,۴۲ دلار برای تحویل در ماه مه بود، یعنی کمتر از نصف قیمت این کالا در ابتدای سال ۲۰۱۹. قیمت نفت وست تگزاس اینترمدییت در آخرین ساعات جمعه شب به ۲۵ دلار هر بشکه رسید و قیمت گاز طبیعی در بازار هنری هاب ۱,۸ دلار برای هر یک میلیون بی تی یو. برخی از منابع خبری به پایین آمدن نفت تگزاس تا ۱۸ دلار هر بشکه اشاره کرده و دلیل آن را پرشدن تانک های ذخیره نفت می دانند. اما بنظر می رسد که قیمت برای نفت معامله شده و پول پرداخته شده بالاتر از قیمت های کاغذی باشد.

## تفسیر هفته

۱- اکثر صاحب نظران از اکنون در باره نظام سیاسی و اقتصادی جهان در دوران پسا کرونا بحث می کنند. آن چه که مسلم است این است که جهان دستخوش تغییرات عمده ای در پی شیوع این بیماری در مناطق مختلف جهان شده است. برخی این وضعیت را با دوره ای از جنگ جهانی دوم اتفاق که برخی همزمان بدنبال طراحی و اعمال نظم نوین اقتصادی و مالی جهان بودند، مقایسه می کنند. در ۱۹۴۴ در دهکده برتن وودز کنفرانسی با شرکت رهبران کشورهای ضد آلمان تشکیل و پایه های مدیریت مالی و تجاری جهان نو از جمله تشکیل صندوق بین المللی پول و بانک بین المللی نوسازی و توسعه مبتنی بر نظریات جان مینارد کینز گذاشته شد. علاوه بر دو موسسه مالی جهانی یعنی صندوق بین المللی پول و بانک مرکزی، منشور ملل متحد، و دیوان دادگستری بین المللی نیز بخش های اجتماعی و حقوقی این نظام را پشتیبانی کردند. اینک برخی پیشنهاد می کنند که شاید دوران پسا کرونا را بتوان دوره برتن وودز دیجیتال نام نهاد. برتن وودز نهادهای خاص خود را داشت. در پسا دکترا هوش مصنوعی تا چه اندازه با اخلاق سنتی و فرهنگ انسانی همسوست؟ مرزهای کشورها آیا همچنان نقاط عطف و تشخیص بین واحدها خواهند بود؟ بخوبی مشخص است که معاملات و نقل و انتقال پول در دوره کرونا و پس از آن در فضای مجازی بیشتر از گذشته است. چگونگی مالیات بستن بر فعالیت شرکت های چند ملیتی که معاملات آن ها در فضای الکترونیک صورت می گیرد، یکی از مسائلی است که باید بر روی آن دقت کرد. آمازون، گوگل و فیس بوک و امثال این ها چگونه و به چه کشوری مالیات می پردازند؟

۲- تا این لحظه مجموعه تحولات مربوط به قیمت نفت به سود ترامپ رئیس جمهور آمریکا تمام شده است. ماجرا از آن جا آغاز شد که تولید مجموعه اوپک پلاس بالا رفت. عربستان سعودی که تا چند ماه قبل تولید کنترل شده ای در حدود ۷ میلیون بشکه در روز را داشت یکباره به ۱۰ و برخی اوقات به ۱۱ میلیون بشکه تولیدش را افزایش داد. روسیه نیز محدودیت کاهش یک میلیون و دویست هزار بشکه ای خویش را نادیده گرفت. از طرف تقاضا نیز با شیوع بیماری کووید ۱۹ بازار تولید کالا و

مصرف آن بشدت کم شد. در نتیجه قیمت نفت سقوط وحشتناکی را تجربه نمود. در این میان ضرر بیشتر متوجه تولید کنندگان عمده نفت مانند کشورهای خاورمیانه شد که به درآمد نفت نیاز دارند. در آمریکا سرمایه گذاری برای تولید نفت شیل به تدریج کم شد و تقاضا برای دکل حفاری جهت چاه های جدید کاهش یافت. برخی از شرکت های نفتی فعال در نفت شیل ورشکست شدند، چون هزینه ها از قیمت نفت در بازار بیشتر بود. ترامپ با ابتکار خود روسیه و عربستان را به مذاکره دعوت کرد. در نهایت مقرر شد که ۹,۸ میلیون بشکه در روز از تولید اوپک پلاس کم شود. این یک موفقیت برای ترامپ بود. زیرا با این کار سرمایه گذاران و فعالان نفت شیل را از خطر ورشکستگی نجات داد. اگر ترامپ به حرف فعالان در بازار شیل گوش بسپارد، بالا رفتن قیمت نفت باعث بیشتر شدن قیمت فرآورده ها در آمریکا می شود. یعنی مجددا قیمت بنزین به بالاتر از ۳ دلار هرگالن خواهد رسید که برای مصرف کننده متعارف آمریکایی یادآور سوخت گران در پس از شوک نفتی اعراب در بعد از ۱۹۷۳ می باشد. سؤال این جاست که کدام یک از ابتکارات ترامپ به نفع او در انتخابات در پیش رو ریاست جمهوری عمل می کند: کمک به صاحبان شرکت های نفت شیل در آمریکا که بخش عمده ای از تبلیغات کمپین ریاست جمهوری او را می پردازند؟ و یا دنبال کردن سوخت ارزان و بدست آوردن دل مردم عادی آمریکا؟ در آمریکا شایع شده است که دولت از شرکت های نفت شیل و پیمانکاران حفاری خواسته است که عملیات حفاری را فعلا متوقف کنند و دولت هزینه های دستمزد آنان را می پردازد. زیرا تولید هر بشکه نفت اکنون نیازمند نگاهداری در یک انبار است زیرا بازار کشتی جذب آن را ندارد. قراردادهایی که بین شرکتهای نفتی و کارگران قبلا منعقد شده بود، اکنون کان لم یکن اعلام شده است. ژوزف فامی (Joseph Fahmy) صاحب شرکت مدیریت سرمایه گذاری زر (Zor) می گوید که اگر قیمت نفت بازهم سقوط کند، اکسون موبیل باید نیمی از نمایندگانی که به کنگره فرستاده است را اخراج کند! از طرف دیگر برای مصرف کننده کف خیابان، بنزین ارزان (در برخی ایالت ها ۹۹ سنت هر گالن) او را به تحرک و مسافرت بیشتر تشویق می کند. حتی اگر بخاطر شیوع ویروس کرونا تعداد سفرهای مردم آمریکا کمتر شده باشد، بلحاظ روانی قیمت سوخت در ذهن مردم آمریکا مشغولیت فوق العاده ای را همیشه ایجاد کرده است. ترامپ در فعالیت های تبلیغاتی ۲۰۱۶ تکرار می کرد که او آمریکا را از لحاظ انرژی مستقل خواهد کرد.

۳- اما همه نشانه ها حاکی از آن است که رشد اقتصادی جهان در ۲۰۲۰ نسبت به سال گذشته آن منفی است و این خود بر روی قیمت نفت تاثیر منفی می گذارد. رشد چین در سه ماه اول سال ۲۰۲۰ بنابر گزارش دولت آن کشور ۶,۸ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کمتر شد. اوپک در آخرین گزارش خود پیش بینی می کند که حداقل ۶,۹ میلیون بشکه نفت در سال جاری کمتر از ۲۰۱۹ مصرف می شود. گزارش آژانس بین المللی انرژی حاکی از آن است که در ماه آوریل تقاضای جهانی نفت به مقدار

۲۹ میلیون بشکه در روز کاهش نشان خواهد داد. در سراسر سال ۲۰۲۰ پیش بینی آژانس این است که ۱۰ میلیون بشکه نفت در دروز نسبت به سال قبل کاهش تقاضا خواهیم داشت.

۴- در پی شیوع بیماری کووید ۱۹ و کمتر شدن فعالیت های کارخانجات و حمل و نقل خبر می رسد که مقدار انتشار گازهای گلخانه ای در چین به مقدار ۲۵ درصد کاهش داشته است. پیش بینی می شود که کلا مقدار گازهای گلخانه ای در سال ۲۰۲۰ کمتر از سال قبل باشد. این روند از بعد از ۲۰۰۸ همیشه صعودی بوده است. مشخص نیست که در درازمدت و پس از کم شدن آثار کرونا روند کاهشی آلودگی هوا و خاکدر بعد از سال ۲۰۲۰ ادامه داشته باشد یا نه. نگرانی این جاست که بهبود نسبی وضعیت اقلیمی و کاهش تولید آلودگی های محیط های شهری، برنامه ریزی و سرمایه گذاری برای انرژی های پاک و صرفه جویی را از ذهن سیاست گذاران و اجرای آن را از اولویت های مردم پاک سازد.

۵- شرکت نفتی آمریکایی شورون سهام خود در کنسرسیوم نفتی فعال در حوزه های نفتی جمهوری آذربایجان را به فروش رسانده است. حوزه های آذری، چراغ، و گونشلی در دریای خزر از دوره اتحاد شوروی در دهه ۱۹۵۰ تا کنون نفت خام تولید می کنند. در ۱۹۹۴ قرارداد بازیافت و ترمیم این حوزه ها به کنسرسیومی به رهبری بی پی داده شد که به آن قرارداد قرن نام نهادند. حال شورون سهام خود را به مبلغ ۱,۵۷ میلیارد دلار به شرکت مجاری MOL واگذار می نماید. سهام شورون در خط لوله باکو-تفلیس-جیهان نیز بخشی از این قیمت گذاری است. بنظر می رسد هجوم شرکت های آمریکایی به دریای خزر برای توسعه منابع آن از بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و از ابتدای ۱۹۹۲ علاوه بر در نظر داشتن منافع شرکت، دارای انگیزه های ژئوپلیتیکی نیز بوده است. دولت های آمریکا همیشه از حضور شرکت های نفت و گاز آمریکایی در دریای خزر و فاصله اندازی مابین روسیه و ایران حمایت های سیاسی و حتی مالی می کردند. اکنون مشخص شده که دریای خزر برای آمریکا مانند گذشته اهمیت استراتژیک نداشته و خطوط لوله نفت و گاز به سمت چین، وزن سیاسی این بخش را برای اروپا و آمریکا کمتر کرده است. برخی از شرکتهای بزرگ آمریکایی در این دریا ورشکست شده اند مانند پنزویل، برخی در حال خروجند مانند شورون، و برخی ضررهای تا ۵۰ میلیارد دلار متحمل شده اند مانند اکسون موبیل.

۶- جنگ یمن بنظر می رسد با تغییر در سیاست عربستان سعودی در حال پایان یافتن است. مارتین گریفیث نماینده دبیرکل ملل متحد در یمن در روز پنجشنبه گفت که طرف های ذیربط در جنگ یمن یک آتش بس فوری در آینده نزدیک را پذیرفته اند. او که در شورای امنیت ملل متحد گزارش می داد عنوان کرد که به زودی زمان و مکان جلسه مذاکره را اعلام خواهد کرد. عربستان سعودی هفته قبل یک آتش بس ۱۴ روزه را در جنگ با حوثی ها که پایتخت یمن را در اختیار دارند برای کمک به رفع مشکلات ناشی از شیوع بیماری کوید ۱۹ اعلام کرد. در عمل در روز پنجشنبه عربستان

سعودی ۶ حمله هوایی علیه مناطق غیرنظامی صنعا انجام داد. بنظر می رسد که هزینه جنگ برای عربستان سعودی کمرشکن است. عربستان در روز چهارشنبه ۷ میلیارد دلار اوراق قرضه را در بازارهای سرمایه به فروش رساند. در دسامبر ۲۰۱۹ نیز عربستان ۲۹ میلیارد دلار از سهام شرکت سعودی آرامکو را به بازار سهام عرضه کرد. این یعنی عربستان سعودی به پول نقد نیاز دارد.